

رسالة البداية

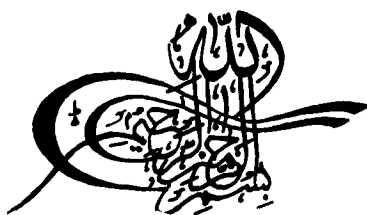
حضرت مولانا یعقوب چرخي رحمۃ اللہ علیہ

تصحیح و تعلق و پیشگفتار از

محمد نذیر راجھا



مرکز تحقیقات فارسی ایران پاکستان



پیشگفتار

در احوال و آثار حضرت مولانا یعقوب چرخنی رحمة الله عليه

نسب نامه

یعقوب بن عثمان بن محمود بن محمد بن محمود الغزنوی ثم الچرخنی ثم السمرقندی

معروف مولانا یعقوب چرخنی؟

بنا بر گفته شادروان سعید نفیسی: "نسبت او را سمرقندی هم نوشته

... و چندی در شیراز ساکن بود"

کاتب نسخه خطی ابدالیه موجود در کتابخانه سراجیه خانقاه شریف احمدیه

۱- تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی جلد اول ص ۲۴۴ و جلد دوم ص ۷۷۸.

سعیدیه، موسی زئی شریف بخش دیره اسماعیل خان، نسبت ایشان را
 «الشرزی» و کاتب نسخه خطی موجود در کتابخانه دیوان بندلندن «السوزی» و کاتبان
 نسخه های خطی کتابخانه گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان اسلام آباد
 «السرزی» نوشته اند. اما در رساله نائیه حضرت مولانا یعقوب چرخمی خود آورده
 اند:

«سررزدهیست ازدهای چرخ که در اول بساتین چرخست بسکن
 آباء و اجداد این فقیر آنجاست!»

از این عبارت پیدا است که نسبت صحیح مولانا یعقوب چرخمی
 «الغزنوی ثم الچرخمی ثم السرزی» است نه «سروری» و «السرزی» و «الشرزی» و
 «السوزی» و «الشیرازی».

پدربزرگوار

حضرت مولانا یعقوب چرخمی در تفسیر خود چند جا ذکر کرده اند که از

آن معلوم می شود که پدر ایشان از ارباب علم و مطالعه و مردی پارسا و
متصوف بودند، ریاضت ایشان بدان اندازه بود که روزی از خانه همسایه

آب آوردند چون آب آن در کاسه یتیم بود نخوردند!

و این رباعی را از زبان پدر خود آموخته بودند:

جز فضل تو راه کی نماید مارا

جز جود تو بندگی که شاید مارا

گر چله هر دو کون طاعت داریم

بی لطف تو کار بر نیاید مارا

جای دیگر نیز پدرشان به ایشان دعایی را آموخته بودند که همیشه پس

از قرائت سوره عم بخوانند^۲.

زایش

تذکره ها تاریخ زایش مولانا یعقوب چرخنی را ننوشته اند.

۱- تفسیر چرخنی بحواله پیشگفتار نایب ص ۹۷. ۲- تفسیر چرخنی ص ۱۱۵ بحواله ایضا.

آموزش و پرورش

مولانا فخر الدین علی بن الحسین الواعظ الکاشفی^۱ نوشته که: "چندی در جامع ہرات و چند گاہ در دیار مصر تحصیل علوم مشغول بوده اند با شیخ زین الدین خوانی^۲ (م ۸۳۳ یا ۸۳۴ یا ۸۳۸ هـ ق)، ہم درس بوده اند و نزد مولانا شہاب الدین سیرامی^۳ کہ از کبار علمای زمان بوده است، تلمذ می کرده اند، و اجازت فتویٰ از علمای بنجا گرفته بودند^۴۔"

ملاقات با حضرت خواجہ نقشبند^۵

حضرت مولانا یعقوب چرخنی^۶ رحمۃ اللہ علیہ قبل از بیعت با حضرت خواجہ بہاء الدین نقشبند رحمۃ اللہ علیہ (م ۷۹۱ هـ ق)، با ایشان عقیدت و محبت خاص داشتند۔ چون بعد از کسب اجازت فتویٰ علوم برگشتن چرخ کردند۔ روزی در خدمت حضرت خواجہ نقشبند رحمۃ اللہ علیہ رفتند و بہ توضیح و تصریح

۱۔ رشحات عین الحیات ص ۷۹ و تذکرہ مشایخ نقشبندیہ ص ۱۴۰۔

۲۔ تذکرہ مشایخ نقشبندیہ ص ۱۴۲۔ ۳۔ رشحات عین الحیات ص ۷۶۔

عرض نمودند: "گوشہ خاطر می بین دارید." حضرت خواجہ نقشبند[ؒ] فرمودند: "این زمان کہ عزیمت کرده نزد ما آمده اید." مولانا یعقوب چرخنی[ؒ] گفتند:

"دوستدار خدمت،" حضرت خواجہ نقشبند[ؒ] فرمودند: "از چه جہت؟" مولانا یعقوب

چرخنی[ؒ] گفتند: "از ان جہت کہ شما بزرگید و در عوام الناس مقبول ہستید."

حضرت خواجہ نقشبند[ؒ] فرمودند: "دلیلی بہتر ازین می باید کہ شاید این قول

شیطانی باشد." حضرت مولانا یعقوب چرخنی[ؒ] گفتند: "حدیث صحیح است کہ

چون حق سبحانہ و تعالیٰ بندہ را دوست خود می سازد، دوستی او را در دلہا

بندگان می اندازد." حضرت خواجہ نقشبند[ؒ] تبسم کردند و فرمودند: "ما عزیزانیم!"

ازین سخن ایشان حال مولانا یعقوب چرخنی[ؒ] دگرگون شد. زیرا کہ یک ماہ قبل

ازین واقعہ حضرت مولانا یعقوب چرخنی[ؒ] در خواب دیدہ بودند کہ حضرت خواجہ

۱- منظور ایشان اشارہ بہ خواجہ علی رامینتی[ؒ] از خلفای خواجہ محمود انجیر فغوی[ؒ] (م ۱۷ رجب الاول ۷۱۷) ^{حق}

ست کہ ملقب بخواجہ عزیزان علی[ؒ] ست، و وی شہر مشہور شدہ خواجہ بہا، الدین نقشبند[ؒ] است کہ در ۲۸ ذیقعدہ

۷۲۱ هـ ق. در گذشتہ و خاکبازی اش در خوارزم واقع است. (تخریثہ الاصفیاء، جلد اول، ص ۵۴۳).

نقشبند^۱ بایشان می فرمودند: "مرید عزیزان شو." و حضرت مولانا یعقوب چرخمی^۲ این خواب را فراموش کرده بودند. چون حضرت خواجہ نقشبند^۳ فرمودند کہ ما عزیزانیم آن خواب بر یاد حضرت مولانا یعقوب چرخمی آمد.

بعد ازین حضرت مولانا یعقوب چرخمی از حضرت خواجہ نقشبند^۴ خواہش کردند کہ خاطر شریف یا من دارید. حضرت خواجہ نقشبند^۵ فرمودند: "شخصی از حضرت خواجہ عزیزان علیہ الرحمۃ والرضوان خاطر طیبیدہ است و ایشان فرمودہ اند کہ در خاطر غیر نمی ماند چیزی پیش ما بگذارد کہ چون آنرا بنہیم ترا یاد خواہیم کرد." باز حضرت خواجہ نقشبند^۶ بہ مولانا یعقوب چرخمی فرمودند: "تو چیزی نداری کہ پیش ما بگذاری لذا کلاہ من ہمراہ ببر. ہر گاہ کہ این را خواہی دید ما را یاد خواہی کرد و خواہی بیافت و برکت این بر خانوادہ تو باشد."^۷ باز فرمودند کہ درین سفر مولانا تاج الدین دشتی کوکلی را دریاب کہ وی از اولیاء اللہ است.^۸

۱- ریحات عین الحیاة، ص ۷۶. ۲- انسیہ ص ۱۷.

۳- ریحات عین الحیات، ص ۷۷.

عزیمت از بخارا

پس حضرت مولانا یعقوب چرخمی از حضرت خواجہ نقشبند[ؒ] اجازه سفر خواستند و از بخارا رو بلخ نهادند. در راه احتیاجی پیش آمد و ایشان از بلخ بدشت کوکک رفتند و اشارت حضرت خواجہ نقشبند[ؒ] با ایشان یاد آمد که ملاقات با مولانا تاج الدین دشتی کوککی بکنند.

ملاقات با مولانا تاج الدین و مراجعت به بخارا

حضرت مولانا یعقوب چرخمی بعد از جستوی بسیار مولانا تاج الدین دشتی کوککی را دریافتند و با ایشان ملاقات کردند. این ملاقات ارادت مولانا دشتی کوککی با حضرت خواجہ نقشبند[ؒ] بر قلب مولانا یعقوب چرخمی چنان تاثیر کرد که ایشان باز عزم بخارا کردند که بردست مبارک حضرت خواجہ نقشبند[ؒ] بیعت کنند.

ملاقات با مجذوبی

در بخارا مجذوبی بود که حضرت مولانا یعقوب چرخمی بوی عقیدت تمام

داشتند۔ از وی پرسیدند: "ایمان در خدمت حضرت خواجہ نقشبندؒ بروم؟"
 مجذوب گفت: "زود بروی" و بر خاک چند خطوط کشید حضرت مولانا یعقوب
 چرخمیؒ با خود گفتند: این خطوط را شمار می کنم، اگر فرد باشد دلیل بر حقیقت این
 داعیہ خواهد بود کہ: ان اللہ فردٌ ویحبت الفرد خدا یکی است و یکی را دوست
 می دارد. چون شمار کردند، فرد بود!

ملاقات دوم با حضرت خواجہ نقشبندؒ

بعد از این رویداد حضرت مولانا یعقوب چرخمیؒ را به ہدایت خدای
 تعالیٰ یقین شد کہ حضرت خواجہ نقشبندؒ از خواص اولیاء اللہ اند و کامل و مکمل اند.
 سپس از اشارات غیبیہ و واقعات کثیرہ ایشان از قرآن مجید فال گرفتند.
 این آیت بر آمد: اُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ اِقْتَدِهٖ (ترجمہ:
 ایشان آنند کہ خدا راہ نمود ایشانرا، براست راہی ایشان پی بر، و پس روی گیر).^۳

۱- رخصت عین الحیاة ص ۷۷. ۲- پارہ ۷ سورہ الانعام، آیت: ۹۰.

۳- کشف الاسرار و عدة الابرار، جلد سوم، ص ۴۱۲.

مولانا یعقوب چرخئی در آخر روز در فتح آباد که مسکن ایشان بود، متوجه
 مزار شیخ سیف الدین باخرزی^۱ (م ۱۵۱ هـ.ق) نشسته بودند که ناگهان بیک
 قبول الهی در رسید و بیقراری در باطن ایشان پیدا شد. پس قصد خانقاه حضرت
 خواجہ نقشبند^۲ کردند. چون بقصر عارفان (خانقاه حضرت خواجہ نقشبند)
 رسیدند حضرت خواجہ نقشبند^۳ را کنار راه منتظر دیدند. رفتار حضرت خواجہ
 نقشبند^۴ بایشان خیلی با لطف و محبت بود.

بیعت با حضرت خواجہ نقشبند کردن

بعد از ادای نماز حضرت مولانا یعقوب چرخئی در خدمت حضرت
 خواجہ نقشبند^۵ عرض نمودند که مرا هم جزو مریدان خود فرمائید. حضرت خواجہ نقشبند^۶
 گفتند که در حدیث است: "العلم علان، علم القلب فذلک علم نافع، علم الانبیا،
 والمرسلین و علم اللسان فذلک حجة الله علی ابن آدم؛" (ترجمه: علم دو نوع است.
 علم دل پس این علمی است سود بخش که خداوند به انبیا و پیغمبران یاد داد و علم

۱- رساله قدسیه ص ۱۰۸ بحواله کنز الہدایات و تذکرہ مشائخ نقشبندیہ ص ۱۴۰.